

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال دوازدهم - شماره چهارم - زمستان ۱۳۹۸ - شماره پیاپی ۴۶

سبک‌شناسی سلسله‌الذهب جامی

(ص ۱-۱۹)

نفیسه گاموری^۲، حسین آقا‌حسینی^۳ (نویسنده مسئول)،

مریم محمودی^۴

تاریخ دریافت مقاله: تابستان ۹۷

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: تابستان ۹۷

چکیده

برای شناخت بهتر سبک ادبی غالب در هر دوره‌ای لازم است همه آثار سرامدان دوره زمانی به دقت بررسی شود و ویژگیهای سبکی آنها مدنظر قرار گیرد. به همین منظور و برای رسیدن به شناختی بهتر نسبت به سبک ادبی قرن نهم، سلسله‌الذهب عبدالرحمن جامی در این پژوهش بررسی میشود. سلسله‌الذهب، اورنگ اول از هفت‌اورنگ عبدالرحمن جامی، شاعر صاحب سبک قرن نهم هجری است که بررسی ویژگیهای سبکی آن، هم به شناخت بهتر سبک ادبی روزگار حیات شاعر کمک میکند و هم شناختی کامل از سبک فردی او ارائه میدهد. این پژوهش برای رسیدن به درکی بهتر نسبت به سبک شخصی جامی، به بررسی فرارویهای زبانی وی در سه سطح زبانی (موسیقایی، واژگانی، نحوی) و ادبی و فکری میپردازد. با استخراج پربسامدترین شیوه‌های برجسته سازی زبانی در حکایات این مثنوی، سبک فردی جامی که سبک خراسانی مایل به عراقی است، تبیین میشود.

کلمات کلیدی: سبک‌شناسی، سلسله‌الذهب جامی، کلمات، موسیقی، نحو، بلاغت، اندیشه

۱ - تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده اند

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران (n.gamouri@gmail.com)

۳- استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (h.agahosaini@gmail.com)

۴- دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران (m.mahmoodi70@yahoo.com)

Stylistics of Jami in *Selseleh al-Zahab* (Golden Chain)

Hossein Aghahosseini^۱, Nafiseh Gamouri^۲,
Maryam Mahmoudi^۳

Abstract

For better understanding of the predominant literary style of any period, it is necessary to study all distinguished works of the period and scrutinize the stylistic features of the works. Parallel to this approach and for achieving better understanding of the literary style in ninth century, this study focused on *Selse at- al Zahab* (Golden Chain) of Jami.

Selseleh al-Zahab is first orang of seven oranges of Abd al-Rahman Jami, the stylist poet in ninth of century Hijra and studying the features of his style not only will head to better understanding of the literary style of contemporary period of the time, but also will yield perfect knowledge of his personal style. For this purpose and for reaching to better understanding of Jami's personal style, the study deals with lingual processes of the poet in five different level, that is, musical, lexical, rhetorical, and mental levels. The study extracts the most frequent styles of linguistic prominence in the stories of this Mathnavi (couplet poems) and by so doing, explains Jami's personal style which is Khorasani style inclined to Iraqi style.

Keywords: stylistics, *Selse at- al Zahab* (Golden Chain) of Jami, lexicon, music, syntax, rhetoric, thought

^۱- Department of Persian Language and Literature, Esfahan University, Esfahan, Iran(h.agahosseini@gmail.com)

^۲- Ph.D. Student of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Dahaghan, Iran(n.gamouri@gmail.com)

^۳- Department of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Dahaghan, Iran(m.mahmoodi@yahoo.com)

۱- مقدمه

نورالدین ابوالبرکات عبدالرحمن بن نظام‌الدین احمد بن محمد جامی از دانشمندان، شاعران، نویسندگان و عارفان مشهور قرن نهم بود که به‌گفتهٔ مرید و شاگرد نزدیک وی عبدالغفور لاری، لقب اصلی او «عمادالدین» و لقب مشهورش «نورالدین» بوده است (تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴، ص ۳۴۷). البته در کتاب مبانی عرفان و احوال عارفان آمده که وی به «شیخ‌الاسلام جام» و «ژنده‌پیل» ملقب بوده است (مقایسه سبک‌شناسانهٔ هفت اورنگ جامی با هفت منظر هاتفی از دیدگاه زیبایی‌شناسی، ص ۴۳۷). جامی نخستین سالهای تحصیل خود را نزد پدرش نظام‌الدین احمد به آموزش صرف و نحو عربی و مقدمات سوادآموزی پرداخت و سپس با پدر خود به هرات منتقل شد و در نظامیهٔ هرات نزد معروفترین دانشمندان زمان، حکمت، فقه و اصول، کلام و منطق، حدیث، قرائت و تفسیر قرآن، هیئت و ریاضیات، علوم لسانی و علوم بلاغت را فراگرفت (همان: ۳۵۰).

جامی در شعر، سرآمد شاعران تیموری و در نثر، بسیار توانا و صاحب قلمی شیواست. انشای او در نثر، ساده و روان است بطوری که گاهی به درجه و مقام نثرنویسان بزرگ قرن پنجم و ششم هجری میرسد (نکاتی دربارهٔ سبک کتاب بهارستان جامی، حاکمی: ۵). در شعر نیز افزون‌بر اینکه در عنوانها، وزن‌ها، فصلها و باب‌های مثنوی خود از نظامی تبعیت کرده، در جزئیترین امور شخصی نیز از او پیروی میکند؛ مثلاً مانند نظامی، فرزند خود را در مثنویاتش نصیحت کرده است (تاریخ ادبی ایران، ص ۷۸۵).

۲- اهداف و ضرورت پژوهش

در میان آثار منثور و منظوم جامی، به مثنوی سلسله‌الذهب که اورنگ اول از هفت‌اورنگ اوست، به دلایل گوناگون کمتر توجه شده است؛ درحالی که این اثر از نظر سبکی ویژگی‌هایی دارد که بر لزوم بررسی آن تأکید میکند. ازسوی دیگر تاکنون پژوهش مستقلی در این باب ارائه نشده است و به همین سبب این پژوهش به بررسی سبکی سه سطح زبان (موسیقایی، واژگانی، نحوی)، ادبی و فکری در سلسله‌الذهب میپردازد. در این پژوهش تلاش میشود با هدف تعیین ویژگی‌های شعر جامی در سلسله‌الذهب، سبک شعری این شاعر در این اثر بر خوانندگان آشکار شود.

۳- روش پژوهش

منبع این پژوهش، سلسله‌الذهب جامی است که به اتمام جابلقا دادعلیشاه و اصغر جانفدا فراهم آمده است. در این پژوهش برای بررسی ویژگی‌های سبک‌شناسی سلسله‌الذهب، سی

و چهار حکایت از این اثر بررسی میشود و نتایج ارائه‌شده برپایه این سی و چهار حکایت است.

۴- پیشینه پژوهش

- مقالاتی درباره سلسله‌الذهب نگاشته شده است که بیشتر به تحلیل محتوایی این مثنوی اختصاص دارد؛ اما تاکنون بررسی جامعی در حوزه سبک‌شناسی سلسله‌الذهب صورت نگرفته است. برخی از پژوهش‌های مرتبط عبارت است از:
- مقاله «مقایسه سبک‌شناسانه هفت‌اورنگ جامی با هفت منظر هاتفی از دیدگاه زیباشناسی» از علی‌اصغر حلبی و سیاوش مرشدی (۱۳۹۱).
 - مقاله «بررسی تطبیقی و تحلیلی تشبیهات نظامی و جامی (با تأکید بر مخزن‌الاسرار و تحفه‌الاحرار)» از علیرضا نبی‌لوچهرقانی (۱۳۸۸).
 - مقاله «ویژگیهای زبانی جامی در نفحات‌الانس» از احمد خاتمی (۱۳۸۶).

۵- معرفی سلسله‌الذهب

نخستین مثنوی از هفت مثنوی هفت‌اورنگ، مثنوی «سلسله‌الذهب» است که در سال ۸۸۷ سروده شده است. «جامی در دفتر اول سلسله‌الذهب از مثنوی معنوی مولانا تأثیر پذیرفته است. در دفتر دوم سلسله‌الذهب از تذکره‌الاولیای عطار و نفحات‌الانس و در دفتر سوم از چهار مقاله عروضی سمرقندی» (تأثیرپذیری جامی از شعرا و نویسندگان پیش از خود در آفرینش مثنوی هفت‌اورنگ، خدیور، شریفی: ۷۹). جامی این اثر را به وزن حدیقه‌الحقیقه سنایی سروده است و مثنوی او «از نظر صورت و معنی به‌مانند حدیقه سنایی است و در آن اسرار و رموز شریعت و طریقت را بیان داشته که شامل قصه‌ها و تمثیلات است و طرح کتاب نیز به‌مانند حدیقه و بوستان می‌باشد» (با کاروان حله، ص ۲۹۴-۲۹۳).

مثنوی سلسله‌الذهب مشتمل بر سه دفتر است: دفتر اول به اعتقاد نام موسوم است و به منظومه‌ای در بیان اعتقادات شاعر ختم میشود. دفتر دوم شامل تحقیق در اقسام مختلف و وجوه گوناگون عشق مجازی و حقیقی و حکایاتی از احوال اولیا و عشاق در قالب تمثیل است و دفتر سوم نیز شامل حکایتهایی از سلاطین است. در این پژوهش، حکایات مثنوی سلسله‌الذهب در سه سطح زبانی و ادبی و فکری از نظر سبک‌شناسی بررسی میشود.

۶- سطح زبانی

در این بخش مثنوی نامبرده در سه سطح آوایی و واژگانی و نحوی بررسی میشود.

۶-۱- سطح آوایی (موسیقایی)

قاعده‌افزایی در برگیرنده گروهی از قواعد است که بر سطح آوایی و موسیقایی زبان معیار وارد میشود و موسیقی کلام را ارتقاء میدهد. زیربنای این گروه از عناصر زیباشناسیک، تکرار است که به گونه‌های مختلف زبان شعر را به موسیقی میرساند؛ مانند استفاده از موسیقی بیرونی که با تکرار افعال عروضی شکل میگیرد. سطح موسیقایی و آوایی مجموعه مناسبتهای وزنی، قافیه، ردیف و آرایه‌های لفظی است که در انتقال پیام شاعر و تقویت عاطفه او نقش مؤثر دارد.

۶-۱-۱- موسیقی بیرونی (وزن)

موسیقی بیرونی همان وزن عروضی براساس کشش هجاها و تکیه‌هاست (موسیقی شعر، ص ۵). سلسله‌الذهب بر وزن فاعلاتن مفاعلن فعلن و بحر خفیف مسدس مخبون محذوف سروده شده است. هرچند این وزن شاد و ضربی و مناسب مضامین بزمی است؛ اما جامی نیز مانند سنایی از آن به‌خوبی برای حکمت و معارف بهره برده است.

۶-۱-۲- موسیقی کناری (قافیه و ردیف)

موسیقی کناری با تکرار کلمه، ردیف و با تکرار بخشی از کلمه، قافیه را ایجاد میکند. قافیه در سلسله‌الذهب اغلب قوی و بدون عیب است. به این نوع قافیه که در آن یکی از صناعات ادبی مانند جناس یا نوآوری و... وجود دارد، قافیۀ بدیعی نامیده میشود (آشنایی با عروض و قافیه، ص ۱۱۳). نمونه‌های زیر از انواع قافیه‌های بدیعی در سلسله‌الذهب است:

قلب شعری این منظومه ایجاب میکند که تنوع قافیه در آن زیاد باشد و این خود باعث افزایش جنبۀ موسیقایی سلسله‌الذهب شده است. جامی از قافیه‌های فعلی نیز در اثر خود استفاده کرده است:

به حرم‌گاه میر بردندی به حرم‌دار وی سپردندی
(همان، بیت ۵۹۴۴)

چند گامی ازو چو بگذشتم زان هوا و هوش تهی گشتم
(همان، بیت ۳۳۳۴)

۶-۱-۳- موسیقی درونی

انواع این موسیقی در این اثر عبارت است از: انواع جناس، تکرار مصوت «ب» در تتابع اضافات، تکرار حروفی خاص در واج‌آرایی، تکرار آهنگ در دو کلمۀ متوالی در اتباع، تکرار آهنگ در دو جملۀ متوالی در موازنه.

- سجع متوازی:

لاجرم نصرت شریعت را متکفل شد آن ودیعت را
(هفت اورنگ، بیت ۱۰۲۹)

- سجع مطرف:

ساقیان در نوای نوشانوش مطربان بر سپهر بُرده خروش
(همان: بیت ۵۷۸۲)

- جناس مصحف:

خود چه خیبر که چنبر گردون پیش آن دست و پنجه بود زبون
(سلسله‌الذهب، بیت ۱۰۲۱)

- جناس اشتقاق:

شاه کرمانی آن مطیع مطاع که به میدان عشق بود شجاع
(همان، بیت ۳۹۲۷)

- جناس اختلافی:

علیی بهر خود تراشیده خاطر از مهر او خراشیده
(همان، بیت ۱۰۳۹)

- جناس افزایشی:

وین خلافی که میشود مفهوم هست ناشی از اختلاف فهوم
(همان، بیت ۱۴۸۵)

- جناس تام:

آتش افتد چو در در خانه بایدش ز آب گشت مردانه
(همان، بیت ۵۵۹۸)

- تضاد:

رنج با جزو چون بود جاری اثر آن به کل شود ساری
(همان، بیت ۳۳۳۹)

تضاد و جناس که از موسیقی درونی محسوب میشوند به ترتیب شامل بسامد ۳۷ (۵۱/۳۸) درصد) و ۳۵ (۴۸/۶۱ درصد) است.

از دیگر تکرارهای موسیقی‌ساز که در سلسله‌الذهب به آن توجه شده، تکرار مصوت «ِ» در تتابع اضافات است:

کَهِفِ اصحابِ سَعْدِ دین و دول منتهی در طریق علم و عمل
(همان، بیت ۳۳۱۹)

- نغمه حروف (هم حروفی و هم صدایی): علاوه بر سجع و جناس همچنین باید به تکرار حروفی خاص در واج‌آرایی اشاره کرد.

شاه گفت ای دلت به دانش خوش وز تو روشن ضمیر دانش کش
(همان، بیت ۵۶۳۸)

دست خود برد سوی سِر دو سِه بار نه کله باز یافت نی دستتار
(همان، بیت ۱۱۶۱)

و نیز تکرار آهنگ در دو کلمه متوالی در اتباع و تکرار آهنگ در دو جمله متوالی در موازنه نیز از انواع دیگر این نوع موسیقی در سلسله‌الذهب است که به ترتیب شواهد آن ذکر می‌شود:
خشم درویش خان و مان سوزد خشم شه جمله جهان سوزد
(همان، بیت ۵۷۵۶)

رستی از رنج ناخوش آوازان جستی از دام کید غمازان
(همان، بیت ۵۶۳۵)

- طرد و عکس: جامی از صنعت بدیعی دیگری در این مثنوی استفاده کرده که آن را طرد و عکس خوانند.

گفت برخیز هان و هان برخیز زودتر زین در دکان بگریز
(همان، بیت ۵۵۹)

۶-۲- سطح واژگانی

از ویژگی‌های سبکی بارز در سلسله‌الذهب در سطح واژه‌ها، کاربرد واژه‌ها و حروف و افعال کهن است که بسامدی درخور توجه دارد. اما در این زمینه باید این نکته را در نظر داشت که این قبیل واژه‌ها و حروف و افعال، امروزه غرابت استعمال دارد و کهن است؛ کاربرد واژه‌های کهن با بسامد ۱۴ (۴۱/۱۷ درصد) و افعال کهن با بسامد ۱۲ (۳۵/۲۹ درصد) از ویژگی‌های سطح واژگانی میباشند. از آن جمله است:

چون نیارست سر برهنه نشست کرد بیرون اِزار و بر سر بست
(همان، بیت ۱۱۶۴)

پهلوانی بروت مالیده بهر کین در دغا سگالیده
(همان، بیت ۱۰۰۸)

جز ازاری که بودش اندر پای کش ز بی‌قیمتی گذاشت به‌جای
(همان، بیت ۱۱۵۷)

نمونه‌های دیگر از واژه‌های کهن: گرگاو (۵۵۳)، غور (۵۶۴ و ۵۷۱)، زیغ (۱۰۱۸)، بروت (۱۰۰۸) و ...

در این میان لازم است به ابدال یا گزینش صورت و تلفظ کهن برخی واژه‌ها نیز اشاره کرد که با بسامد ۸ (۲۳/۵۲ درصد) ویژگیهای سطح واژگانی را به خود اختصاص داده است:

ناگهان قاصدی رسید از راه از نشاپور و اهل آن آگاه
(همان، بیت ۶۰۷۰)

کاربرد کلمات عربی با بسامد بسیار بالا، از ویژگیهای سبکی سلسله‌الذهب است. کاربرد کلمات و عبارات عربی در این مثنوی به حدی زیاد است که گاهی با ابیاتی روبه‌رو می‌شویم که به‌طور کامل به زبان عربی است:

کَهِفِ اصْحَابِ سَعْدِ دینِ و دُولِ مَنْتَهیْ دَر طَرِیقِ عِلْمِ و عَمَلِ
(همان، بیت ۳۳۱۹)

کَرْد جَا دَر حَظِیرَه شَهْدَا رُوحِ اللّٰه رُوحَهُ اَبْدَا
(همان، بیت ۶۰۸۰)

الف) ابداع واژه‌های مشتق و مرکب: جامی در عرصه لغت‌سازی و ترکیب‌سازی دستی توانا دارد و گاه از اضافات بدیع و تعبیرات تازه نیز استفاده میکند و از کاربرد مفاهیم مجازی و کنایی که با پسوند و پیشوند ساخته شده است نیز برخوردار است.

مثال: دهستان (۵۴۴۶)، دکانچه (۳۳۲۴)، تختگاه (۵۴۹۱) ریش گاو (۴۴۱۶)، هم تگ (۴۴۵۰)، عالمتاب (۴۴۳۶)، گنده پیر (۵۵۳۴) و ...

۶-۳- سطح نحوی

در این منظومه بیشتر، فعل در جای اصلی خود یعنی پایان جمله آمده است. در واقع، زبان تعلیمی این اثر باعث نظم و ترتیب منطقی جملات شده است:

خواست تا حیل‌های برانگیزد کاب از آنجا به روی خود ریزد
کوزه زان حیل‌ها که می‌انگیخت می‌فتاد آب بر زمین میریخت
چشم نوشیروان چو آن را دید از مژه اشک مرحمت بارید
گفت بر خود که وای بر ما باد خشم خلق و خدای بر ما باد
(همان، بیت ۵۸۲۶-۵۸۲۹)

بطور کلی آنچه در سطح نحوی در حکایات سلسله‌الذهب نمود بسیاری دارد، عبارت است از: کاربرد ضمیر متصل مفعولی، کاربرد ترکیب وصفی مقلوب، کاربرد امر بدون «ب» دستوری، کاربرد مضارع ساده به‌جای استمرای و التزامی و اخباری، کاربرد مصدر به‌جای فعل، کاربرد افعال در معنای دیگر، کاربرد باء تأکید، کاربرد نشانه استمراری کهن، کاربرد فعل نیشابوری، فاصله و جابجایی پیشوند با فعل، منفی کردن فعل با «ته»، کاربرد افعال

دعایی، کاربرد افعال آغازین، فاصله بین اجزای فعل. در ادامه برای هریک از ویژگیهای نامبرده شواهدی ذکر میشود.

- کاربرد پرش ضمیر:

به یک امروزت این سرور که چه در سر این نخوت و غرور که چه
(همان، بیت ۵۵۵۳)

- کاربرد ضمیر متصل مفعولی:

تخم بیخوایش رسید به بر آمدش بر جمال یار نظر
(همان، بیت ۳۹۳۲)

صبح تا شام خدمتش کردی خوان کشیدی و سفره آوردی
(همان، بیت ۶۲۹۰)

- کاربرد موصوف و صفت مقلوب:

در دلش این هوس که بی رنجی یابم امروز رایگان گنجی
(همان، بیت ۴۴۱۴)

۷- سطح ادبی

بررسی این سطح از اشعار جامی بیانگر آن است که شاعر از تخیل خویش استفاده کرده و آن را در قالب مثنوی ریخته، اشعاری سروده و تعبیرات تازه ای خلق کرده است.

۷-۱- تصویرسازی

شعر خالی از عنصر خیال نیست و شاعر تصویرهایی را که از عالم بیرون گرفته، به عالم درون برده و تصویرسازی از اشعار خود را به نمایش گذاشته و آن را ترسیم کرده است و از الفاظی مخیل گونه استفاده کرده است. شاعر در توصیف خوشه گندم میگوید:

آشکارا شد از زمین یک خم پر درونش ز خوشه گندم
خوشه هایی چو دانه های گهر زرگرانش غلاف کرده ز زر
دانه های بزرگ و رخشنده دیده را فیض نور بخشنده
(همان، ابیات ۵۴۶۰-۵۴۶۲)

همچنین توصیف زورق (۵۷۱۲)، توصیف شهر بغداد (۵۹۷۰ و ۵۹۷۱) و آماده شدن برای دیدار معشوق (۴۴۵۶-۴۴۵۸)

هر شاعر و نویسنده ای با برخی از آرایشهای ادبی انس و الفت بیشتری دارد؛ بنابراین میتوان سبک یک اثر را از نظر آرایش و قالبهای ادبی نیز بررسی کرد (درباره ادبیات و نقد ادبی، فرشیدورد: ۶۹۴). در سطح ادبی به بررسی بسامد لغاتی که در معنی مجازی به کار رفته است توجه میشود. مسائل علم بیان مانند تشبیه، استعاره، سمبل، کنایه و مسائل بدیع

معنوی مثل ایهام، تناسب و به‌طور کلی زبان ادبی اثر و انحرافهای هنری و خلاقیت ادبی در زبان از جمله مسائلی است که در این سطح بررسی میشود.

۷-۲- بیان

مثنوی سلسله‌الذهب از نظر کاربرد صنایع ادبی و بلاغی بسیار درخور توجه است. البته بطور کلی شعر فارسی، هنری گره‌خورده با انواع صناعات هنری است. از این نظر بسامدهای آماری میتواند امتیاز سبکی برخی آثار را بر آثار دیگر نشان دهد. در سلسله‌الذهب توجهی ویژه به انواع تشبیه، استعار، مجاز و کنایه شده است.

الف) تشبیه: تشبیه در این اثر با بسامد ۴۳ (۳۲/۰۸ درصد) بیشترین کاربرد را در بین عناصر بلاغی به خود اختصاص داده است؛ از آن جمله است:

- تشبیه مفصل:

خوشه‌هایی چو دانه‌های گهر زرگرانش غلاف کرده ز زر

(همان، بیت ۵۴۶۱)

همچو مور و ملخ ز هر طرفی دام و دد گرد او کشیده صفی

(همان، بیت ۴۳۳۸)

- اضافه تشبیهی:

ذکرش آمد برون ز پرده سیر برخيال سير او هنوز مصر

(همان، بیت ۳۳۴۴)

و نیز عقد صحبت (۱۴۷۷)، دُر حقیقت (۱۴۷۸)، میدان عشق (۳۹۲۷)، سرمه خواب (۳۹۲۹)، میوه وصل (۳۹۳۱)، تخم بیخوابی (۳۹۳۲) و ...

ب) استعاره: نوع دیگری از تصویر خیال در مثنوی جامی است که در آن شاعر از ساده نویسی پرهیز میکند و به تخیل روی می آورد. استعاره با بسامد ۱۹ (۱۴/۱۷ درصد) از دیگر آرایه‌هایی است که در سطح بلاغی مشاهده میشود.

- اضافه استعاری:

که عوانی زخلعت دین عور چشم جانش ز نور ایمان کور

(همان، بیت ۵۴۹۳)

- استعاره مصرحه:

حقه های عقیق تازه و تر بر وی آویخته زشوشه زر

(همان، بیت ۵۴۴۹)

- استعاره مکنیه:

شست و شو داده موی او باران
(همان، بیت ۴۳۳۵)

ج) کنایه: یکی از عناصر دیگری است که جامی در اشعارش بدان توجه داشته است.
نیست امکان آنکه ره یابی زین در آن به که روی برتابی

(همان، بیت ۱۷۳۴)
کنایه نیز با بسامد ۲۹ (۲۱/۶۴ درصد) یکی دیگر از آرایه‌های درخور توجه در این اثر است.
د) مجاز: یکی دیگر از عناصر قابل توجه جامی است.

ساختی آب دیده را نمک آب پاک شستی ز دیده سرمه خواب
(همان، بیت ۳۹۲۹)
مجاز نیز با بسامد ۱۲ (۸/۹۵ درصد) یکی دیگر از آرایه‌های درخور توجه در این اثر است.

۷-۳- معانی (بدیع معنوی)

همچنین باید به کاربرد ایهام با بسامد ۶ (۴/۴۷ درصد)، تناسب با بسامد ۱۹ (۴/۱۷ درصد)، تلمیح با بسامد ۶ (۴/۴۷ درصد) اشاره کرد که در مثنوی سلسله‌الذهب کاربرد دارد و در ادامه نمونه‌هایی از آن بیان میشود:

الف) تناسب:

از دل و دیده غرق آتش و آب از تب عشق آن جوان در تاب
(همان، بیت ۳۳۳۱)

ب) ایهام:

پیش سلطان عاقبت محمود که شه تختگاه غزنین بود
(همان، بیت ۵۴۹۱)

ج) تلمیح:

عارفی بود در زمین هری نام او سکه نگین هری
(همان، بیت ۶۲۸۶)

د) تمثیل:

زد بر او بانگ کای تباه سیر چیست این عذر از گناه بتر
(همان، بیت ۵۷۸۹)

ه) اغراق:

که فلان ظالم ستم پیشه به کف آورده از قلم تیشه
(همان، بیت ۶۰۲۰)

۷-۴- بازتاب تعبیرات عامیانه در مثنوی جامی

بعضی از ابیات سلسله‌الذهب جنبه مردمی و لحن عامیانه دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

ملک شهر حکم فرموده که بگیرند الاغ آسوده
(همان، بیت ۵۶۰)

همچنین است ابیات (۴۴۱۰، ۴۴۱۲، ۵۵۳۹، ۵۶۶۴) و ...

۷-۵- انسجام متن در محور عمودی (گفتگو)

در این مثنوی با گفتگوهای بسیاری روبرو هستیم که گاه به صورت مناظره، واگویه درونی، راز و نیاز و ... است. در ذیل به برخی از آنها می‌پردازیم.
- گاه شامل مناظره است که مبتنی بر پرسش و پاسخ است.

با پسر گفت پیری از همدان کای در اطوار کار خود همه دان
خویش را عمری آزمودستی هیچ‌گه ریش گاو دیدستی
گفت با وی پسر که ای بابا که بود ریش گاو گو بابا
گفت آن کس که بامداد پگاه مینهد پا ز کنج خانه به راه
(همان، ابیات ۴۴۱۰-۴۴۱۳)

- گاه شامل واگویه درونی است که در آن فرد با خود سخن می‌گوید:

چند روزی برین نسق چو گذشت بارها در ضمیر لیلی گشت
که چه حال اوفتاد مجنون را بیخود آن مبتلای مفتون را
که نشانش به دشت پیدا نیست هم تگ آهوان صحرای نیست
(همان، ابیات ۴۴۴۸-۴۴۵۰)

- و گاهی نیز گفتگو با پروردگار است که به آن راز و نیاز گویند.

کای خداوند عدل آموز در جهان آفتاب عدل افروز
تخم عدلم به دل تو کاشته ای سپهرم را بر آن تو داشته ای
ور نه از ما گروه بس گستاخ دیر ماند این انارها بر شاخ
(همان، ابیات ۵۴۵۵-۵۴۵۷)

۸- سطح فکری

در نظر برخی پژوهشگران ویژگی‌های فکری در درجه اول اهمیت قرار دارد (کلیات سبک‌شناسی، ص ۲۱۳) و همین بیانگر اهمیت سطح فکری در تبیین ویژگی‌های سبکی یک

اثر است. «تاریخ ادبیات نشان می‌دهد که هر شاعری در یکی از قالب‌های ادبی توفیق بیشتری دارد. مهمترین دلیل این مسئله ممکن است جهانی‌بینی و تمایلات هستی‌شناسانه و عاطفی و اندیشگی شاعر باشد» (نقد بلاغی و سبکی رباعیات حافظ، ص ۳۴). میتوان گفت جامی نیز در قالب مثنوی از موفقیت‌های درخور توجهی برخوردار شده است. از مثنوی‌های او میتوان دریافت که او در زمینه‌های مختلفی مانند علوم ادبی و قرآنی، حدیث، حکمت، عرفان و حتی علوم غریبه و لغز و معما اطلاعات بسیار گسترده‌ای داشته است و از این علوم و دانسته‌ها در آثار خود بهره برده است (نک: اندیشه‌های جامی در مثنوی‌های هفت اورنگ، ص ۱۲۰)

مثنوی سلسله‌الذهب در اخلاق و معارف نوشته شده است. افزون بر این دو، موضوعات بسیاری درباره عرفان، کلام، دین و حتی گاه مباحث معمولی و روزمره مانند وصف طبیعت، وعظ، مدح، ذم و... نیز در آن دیده میشود که البته این مباحث بیشتر در قالب حکایت و در بطن آن قرار دارد و نویسنده به منظوری خاص آنها را بیان میکند.

از جمله مباحث مطرح‌شده در این اثر، مباحث کلامی و عرفانی است؛ همچون تنزیه خداوند (همان: ۶۲)، تشبیه و تنزیه (همان: ۶)؛ هستی ساده و وجود مطلق حق (همان: ۶۳)، رؤیت خداوند (همان: ۶۶)، مبرابودن خدا از مکان و جهت (۵۴-۵۵)؛ قدیم بودن قرآن کریم (همان: ۷۷-۷۸)؛ بیان معنی اسم الله (همان: ۸۲)؛ بیان معنی اسم رحمان و رحیم (همان: ۸۳)؛ بحث درباره وجود خداوند (همان: ۱۷۱)؛ درباره وحدت خداوند (همان: معراج (همان: ۱۷۶)، ملامتیه (همان: ۲۰)؛ ذکر، نکوهش ذکر ریایی، انواع ذکر، بیان ذکر حقیقی (همان: ۲۱ و ۲۳ و ۲۶-۲۷، ۲۹)؛ سماع (همان: ۲۴)؛ لزوم داشتن پیر (همان: ۲۹-۳۱)؛ صفات پیر (همان: ۲۹-۳۱)؛ مراقبه و محاسبه (همان: ۳۲)، توصیف وقت (همان: ۳۵)، جبر و اختیار (همان: ۳۷، ۳۸)، مخالفت نفس (همان: ۴۷-۴۸)، کثرت و وحدت (همان: ۶۱)، بحث درباره آیات قرآنی (همان: ۷۲، ۶۷-۶۹، ۷۳)، انواع عزلی (همان: ۹۶-۹۷)، طبقات اهل عزلت (همان: ۹۸)، اوتاد و ابدال (همان: ۱۰۰)، ارکان مقام ابدال (همان: ۱۰۶)، فنا (همان: ۱۵۶)، عشق (همان: ۲۰۵، ۲۸۷، ۱۸۵-۱۸۶)، دشمنی با نفس (همان: ۹۶)، محبت و تقسیم آن (همان: ۲۵۵)، تجلی (همان: ۲۷۷)، حیرت (همان: ۲۷۹).

در بیان مضمون‌های منظور نویسنده از بزرگان دین مانند پیامبران و بزرگان وادی عرفان نیز یاد شده است: مهدی موعود^(عج) (همان: ۱۳)، داوود (همان: ۷۰)، ابراهیم (همان: ۲۵۳)، ذوالنون و ابویزید (همان: ۲۶۰)، سرتی سقطنی (همان: ۳۱۱)، ابوعلی دقاق (همان: ۳۲۰) و... از جمله این افرادند.

افزون بر آنچه بیان شد، گاهی نویسنده برای بیان منظور اصلی مباحثی را مطرح میکند که نشان‌دهنده آشنایی او با برخی علوم است. مثلاً در حکایتی به علم نحو و جزئیات آن اشاره

دارد:

نحوی گفت در حضور عوام
«کَانَ» گه ناقص است و گاهی تام
تام از اسم بهره ور باشد
وان که ناقص بود خبردار است
(همان، ابیات ۱۴۷۱-۱۴۶۹)

و یا برای محکم کردن منظور خود از تمثیل و ارسال المثل بهره میبرد. همچنین باید به توصیف بهار در این حکایات اشاره کرد:
عهد نوروز بود و فصل بهار
خیمه از حد شهر بیرون زد
دید از سبزه بر لب جیحون
دامن گل به کف چو دامن یار
سایه بان بر کنار جیحون زد
گسـتریده بساط سـقلاطون
(همان، ابیات ۵۷۰۷-۵۷۰۵)

همچنین وعظ، ستایش و منقبت، شکوه و نقد، نقد شاعران مدیحه سرا، انتقاد از جامعه و زمانه و... از دیگر موضوعات شعری در این اثر است.
- وعظ:

گفت ای جاهل این طریقه کیست
نیست کار تو کسب جمعیت
امر حق یا نه قول و فعل نبیست
رو همی گو که کی کنم نیت
(همان، ابیات ۱۱۸۹ و ۱۱۸۸)

- عشق:

چشمها را کشید سرمه ناز
کرد نعلین دلبری در پای
شد خرامنده تا بر مجنون
بانگ زد کای ز عشق بر خوردار
عقل و دین را درید پرده راز
شد به گام وفا زمین فرسای
سایه افکند بر سر مجنون
سایه انداخت وصل، سر بردار
(همان، ابیات ۴۴۵۹-۴۴۵۶)

- شکایت:

پیش سـالمطان عاقبت محمود
پیر زالی ز خطه باورد
که عوانی ز خلعت دین عور
که شه تختگاه غزنین بود
خط باوردیان برون آورد
چشم جانش ز نور ایمان کور

به تقلب گرفت باغش را ساخت جا کلبه فراغش را
(همان، ابیات ۵۴۹۴-۵۴۹۱)

- خوش‌باشی:

دست جانان به صد نشاط به دست شاد و خرم بر آن بساط نشست
آنچه اسباب کامرانی بود وانچه زآلات شادمانی بود
گرچه جا بر کنار دریا داشت همه با یکدگر مهیا داشت
(همان، ابیات ۵۷۰۷-۵۷۰۵)

الف) مضامین عاشقانه: میزان مضامین عاشقانه محض در حکایات سلسله‌الذهب تقریباً محدود است. مانند:

شد خرامنده تا بر مجنون سایه افکند بر سر مجنون
بانگ زد کای زعشق برخوردار سایه افکند وصل سربردار
(همان، ابیات ۴۴۵۹ و ۴۴۵۸)

همچنین است ابیات (۵۶۸۱)، (۱۷۳۲ و ۱۷۳۱) و (۵۷۲۲ و ۵۷۲۱)؛ که گاه برخی از آنها در جریان حکایتها درنهایت از مضمون عاشقانه به مضمون عارفانه بدل میشوند و یا به دلیلی عاشق، معشوق خویش را کنار میگذارد.

همت او بلند پرواز است با حریفان سفله ناساز است
لیک سودای لعبتان طراز باز میداردش از آن پرواز
گر رود از سر این خیال او را نکنند نفس پایمال او را
بلکه از بندگیش سر تابد بر خداوندیش ظفر یابد
نام شاه مظفرش گردد همه گیتی مسخرش گردد
شه چو بر گوششان نفس بگذشت در دل خویش از آن هوس بگذشت
لوح خاطر ز نقش شهوت شست کرد بر خود لباس چست
(همان، ابیات ۵۶۸۰-۵۶۸۶)

ب) مضامین عارفانه: جامی در حکایات سلسله‌الذهب از مضامین عارفانه بهره‌ فراوانی برده است. گاه جامی عرفان را با مسائل فلسفی، طنزی، تعلیمی و عشقی در حکایات خود می‌آمیزد. و در کل این حکایات بیست و یک نوع اصطلاح عرفانی وجود دارد که در حکایت‌های مختلف تکرار میشود. برخی از این اصطلاحات را به عنوان نمونه در ذیل می‌آوریم.
ذکر (۵۷۳ و ۵۷۴)، صحو (۳۹۲۵ و ۳۹۲۶)، طلب (۳۹۲۵)، کشف (۵۶۷۲)، همت (۶۲۸۷)

و ... مانند:

یار بر چشم سرّ چو گشت عیان گر بود بسته چشم سرّ چه زیان
ور بود چشم سرّ از او مسدود گر بود چشم سرّ گشاده چه سود
(همان، ابیات ۳۹۴۰ و ۳۹۴۱)

ج) مضامین اخلاقی و اجتماعی: یکی از پر رنگترین مضمونها، مضامین اخلاقی و اجتماعی در سلسله‌الذهب است. که جامی در حکایات خود بیشتر از طلب عدالت و مبارزه با ظلم و ستم دم میزند و شاعر این مضامین را در قالب حکایات خود گنجانده است که در ذیل به نمونه‌هایی از آن میپردازیم.
- بخشندگی:

صاحب خوان چو بود اهل کرم نزد از منع و زجر با او دم
(همان، بیت ۵۵۶)

همچنین است: پند و اندرز (۵۴۷۷ و ۱۱۹۲)، صداقت (۱۴۷۸)، قناعت (۵۵۳۸)، در مذمت خشم (۵۷۷۶ و ۵۷۷۷)، مبارزه با ظلم و ستم (۵۵۱۱-۵۵۱۳، ۵۵۱۳-۵۵۱۵، ۶۰۱۶-۶۰۱۸) در طلب عدالت (۵۴۵۵-۵۴۵۷، ۵۵۷۱ و ۵۵۷۲، ۵۴۷۷-۵۴۷۹، ۵۶۰۳ و ۵۶۰۴، ۵۶۲۲-۵۶۴۴، ۵۶۴۴-۵۶۴۲) و ...

د) مضامین فلسفی و کلامی: جامی از حکایات فلسفی و کلامی نیز برخوردار بود و در برخی از حکایات به فلسفه و کلام میپرداخت و از واژه‌های مربوط به آن استفاده میکرد مانند: متکلم سه و کلام یکی نیست کس را در مقام شکی
(همان، بیت ۱۴۸۳)

همچنین است ابیات (۱۴۸۴ و ۱۴۸۵) و ...

بطور کلی در این مثنوی معمولاً مضامین شعری، تعلیمی - تربیتی و عرفانی است. در بسیاری از حکایات، فردی در قالب پیرزنی به پادشاه عصر خود از ظلم و ستم شکایت میکند. بسامد مضمون تعلیم و تربیتی در مضامین این مثنوی بسیار درخور توجه است که البته در این تحقیق، به مضامین حکایات اشاره نشده است؛ اما بسیاری از حکایات این مثنوی، مضمون شکایت دارد.

۹- نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش دریچه‌ای به شناخت بیشتر حکایات سلسله‌الذهب و مقدمه‌ای برای بررسی و مطالعه سبک‌شناسی اشعار این مثنوی است. سطوح مختلف این مثنوی از روی تکلف و التزام نیست و این سلاست کلام، جریان عادی سخن است. پس از بررسیهای

سبک‌شناسانه به نتایج زبانی، ادبی و فکری ذیل دست یافتیم.

الف) جنبه زبانی: جامی از گویندگان سبک عراقی متمایل به خراسانی است که در سطح موسیقایی به جز سجع و جناس که موسیقی درونی است و قافیه و ردیف که موسیقی کناری است و وزن که موسیقی بیرونی است دیگر فراوری‌های آوایی همچون اشباع، فرایند واجی افزایشی، فرایند واجی کاهش‌ی و ... همه به سبب اجبار وزن عروضی ایجاد شده است. وی از وزن فاعلاتن مفاعلهن که بحر خفیف مسدس محذوف است استفاده کرده و چون قالب شعری سلسله‌الذهب مثنوی است ردیف و قافیه در آن از تنوع زیادی برخوردار است که گاه قافیه به شکل صفت مفعولی می‌آید و ردیف در آن بیشتر ردیف فعلی و گاه ردیف اسمی و ضمیری است.

ب) جنبه ادبی: این مثنوی از کاربرد صنایع ادبی و بلاغی بسیاری برخوردار است یکی از عناصر مهم آن تشبیه است که تکیه اصلی شاعر بر آن است. پس از آن کنایه و استعاره مورد توجه شاعر بوده و بسامد لغات مجازی کمترین کاربرد را در علم بیان دارد. از صنایع بدیع معنوی مانند: ایهام و تناسب برخوردار است و از تلمیح نیز بی بهره نیست.

ج) جنبه فکری: شاعر در آن بیشتر به مضامین اخلاقی پرداخته است و در طلب عدالت و مبارزه با ظلم و ستم سخن رانده است و مسایلی از قبیل مذمت طمع و هوای نفس، مبارزه با خشم، پرهیز از بخل را مطرح کرده است و مسایل عرفانی، فلسفی و کلامی را در حکایات خود گنجانده است و کمتر حکایتی است که مضامین عاشقانه دارد.

جدول شماره (۱) بسامد ویژگی‌های موسیقایی

اجزاء	بسامد	درصد
اشباع	۷	۲/۰۴
مشدد کردن	۷۸	۲۲/۸۰
فرایند واجی کاهش‌ی	۸۷	۲۵/۴۳
فرایند واجی افزایش‌ی	۸۴	۲۴/۵۶
تخفیف	۸۶	۲۵/۱۴
جمع	۳۴۲	

جدول شماره (۲) بسامد ویژگی‌های واژگانی

اجزاء	بسامد	درصد
واژگان کهن	۱۴	۴۱/۱۷
افعال کهن	۱۲	۳۵/۲۹
ابدال	۸	۲۳/۵۲
جمع	۳۴	

جدول شماره ۳) بسامد ویژگیهای موسیقی درونی جدول شماره ۴) بسامد ویژگیهای نحوی

اجزاء	بسامد	درصد
جناس	۳۵	۴۸/۶۱
تضاد	۳۷	۵۱/۳۸
جمع	۷۲	

جدول شماره ۵) بسامد ویژگیهای ادبی (بلاغی)

اجزاء	بسامد	درصد
استعاره	۱۹	۱۴/۱۷
تلمیح	۶	۴/۴۷
تشبیه	۴۳	۳۲/۰۸
ایهام	۶	۴/۴۷
تناسب	۱۹	۱۴/۱۷
مجاز	۱۲	۸/۹۵
کنایه	۲۹	۲۱/۶۴
جمع	۱۳۴	

اجزاء	بسامد	درصد
افعال دعایی	۱۱	۸/۳۹
کاربرد واو در آغاز ابیات	۱۱	۸/۳۹
افعال مرکب پیشوندی	۲۰	۱۵/۲۶
نه منفی ساز	۱۳	۹/۹۲
صفت فاعلی مرکب مرخم	۱۵	۱۱/۴۵
موصوف و صفت مقلوب	۹	۶/۸۷
پرش ضمیر	۳۴	۲۵/۹۵
باء تاکید	۱۸	۱۳/۷۴
جمع	۱۳۱	

منابع و مأخذ

- ۱- آشنایی با عروض و قافیه، شمیسا، سیروس، ۱۳۷۲، چ نهم، تهران، انتشارات فردوسی.
- ۲- با کاروان حله، زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۷۹، علمی، تهران.
- ۳- تاریخ ادبی ایران، براون، ادوارد، ۱۳۵۱، ترجمه علی اصغر حکمت، جلد سوم، ابن سینا، تهران.
- ۴- تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ذبیح الله، ۱۳۷۸، جلد ۴، چاپ دهم، فردوس، تهران.
- ۵- درباره ادبیات و نقد ادبی، فرشیدورد، خسرو، ۱۳۷۳، چاپ دوم، امیرکبیر، تهران.
- ۶- سبک‌شناسی، بهار، محمدتقی، ۱۳۷۵، جلد ۱، چاپ هشتم، امیرکبیر، تهران.
- ۷- کلیات سبک‌شناسی، شمیسا، سیروس، ۱۳۸۶، چاپ دوم، میترا، تهران.
- ۸- لسان العرب، ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۳۴۹، دارالسان العرب، بیروت.
- ۹- مثنوی هفت اورنگ، جامی، ۱۳۷۸، چاپ اول، دفتر نشر میراث مکتوب، تهران.
- ۱۰- موسیقی شعر، شفیعی کدکنی، محمدرضا، ۱۳۸۶، چ دهم، تهران، آگاه.
- ۱۱- اندیشه‌های جامی در مثنویهای هفت اورنگ، صدقی، حسین، ۱۳۸۰، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی (تبریز)، دوره ۴۴، شماره ۱۷۹-۱۷۸، صص ۱۵۴-۱۱۹.
- ۱۲- تحلیل و بررسی مفاهیم سبک در شعر شاعران پارسی‌گوی تا اوایل قرن نهم، بشیری، محمود؛ رضایی، احمد؛ ۱۳۹۱، علمی - پژوهشی، سال چهارم، شماره ۲، صص ۵۲-۳۷.
- ۱۳- مقایسه سبک‌شناسانه هفت اورنگ جامی با هفت منظر هاتفی از دیدگاه زیبایی‌شناسی، سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، حلبی، علی اصغر؛ مرشدی، سیاوش، ۱۳۹۱، دوره ۵، شماره ۴، پی‌درپی ۱۸، صص ۸۸-۷۳.
- ۱۴- نظریه سبک در ایران (روشهای سبک‌شناسی)، ایران‌زاده، نعمت‌الله، ۱۳۹۰، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی و بهار ادب، سال چهارم، شماره ۲، صص ۲۰-۱.
- ۱۵- نقد بلاغی و سبکی رباعیات حافظ، مجد، امید؛ غلامی، حمیده، ۱۳۹۴، پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت، سال ۴، شماره ۲، صص ۱۷-۳۶.
- ۱۶- نکاتی درباره سبک کتاب بهارستان جامی، حاکمی، اسماعیل، ۱۳۷۷، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، شماره ۱۴۸، صص ۶-۲.